

تحلیل منظومه غنایی «ایرج و هوبره» از دیدگاه نشانه‌شناسی ریفاتر

عارف کمرپشتی^۱

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

مریم سلیمان پور

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

چکیده

نظریه نشانه‌شناسی شعر مایکل ریفاتر با توجه به توانش ادبی خواننده، طی فرایندی نظام‌ساز به جای «معنا» بر «دلالت» تأکید دارد. از این رو خواننده با خوانش پس‌کنشانه به انباشت، کمیته‌نگاشت، منظومه‌های توصیفی و در نهایت خاستگاه رهنمون می‌شود. در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی منظومه «ایرج و هوبره» قاسم لاربن - آخرین منظومه غنایی ادبیات کلاسیک فارسی - براساس نشانه‌شناسی ریفاتر تحلیل شده است. با توجه به یافته‌های پژوهش خوانش اکتشافی این منظومه با وقوع جنگ تحمیلی بیانگر فراق «ایرج» و «هوبره» است؛ اما خوانش پس‌کنشانه، القاکننده دلالت دیگری است که به واسطه روابط بین نشانه‌ها در زنجیره‌های انباشت و دو منظومه توصیفی ایجاد شده است. رویکرد نشانه‌شناسی ریفاتر نشان می‌دهد خاستگاه منظومه غنایی لاربن با توجه به تقابل دو معنابن «عشق» و «جنگ»، شبکه معنایی ایجاد شده و منظومه‌های توصیفی «عشق زمینی» و «عشق آرمانی» بر «قداست و برتری عشق آرمانی به وطن» دلالت می‌کند.

واژگان کلیدی: نشانه‌شناسی، مایکل ریفاتر، منظومه غنایی، قاسم لاربن

^۱ نویسنده مسئول: aref.kamarposhti@gmail.com

مقدمه

توجه به معنای ظاهری و تحت‌اللفظی، اولین برداشتی است که خواننده با خوانش متن بدان دست می‌یابد؛ اما با «توانش ادبی» و خوانش دیگرگونه و دستیابی به «دلالت»ها از طریق نشانه‌ها، معانی‌ای فراتر از یک برداشت سطحی حاصل خواهد شد. آن‌گونه که نظریه نشانه‌شناسی مایکل ریفاتر (۲۰۰۶-۱۹۲۴م) شعر را طی یک فرایند نظام‌ساز، جهت یافتن دلالت‌های آن بررسی می‌کند. با توجه به هدف این رویکرد نو در نقد ادبی، منظومه غنایی «ایرج و هوبره» لاربن از این منظر بررسی خواهد شد تا دلالت یا لایه دوم معنا در این منظومه کشف شود.

منظومه «ایرج و هوبره» به عنوان اولین کتاب شعر لاربن، نخستین بار سال ۱۳۶۳ منتشر شد. منظومه در قالب مثنوی و بحر سریع مسدس مطوی مکشوف (مفتعلن مفتعلن فاعلن) با ۱۰۱۱ بیت در ببحوحه جنگ تحمیلی سروده شد. به عبارتی منظومه «ایرج و هوبره»، «حماسه عشق و جنگ» است. قاسم لاربن (رحیمیان) ۱۱دی ماه ۱۲۹۳ در شهر بابل به دنیا آمد. نام مستعار لاربن علاوه بر اشاره‌ای به زادبوم او، بیان‌کننده عشق و علاقه او به مازندران است. لاربن مدتی با سمت دبیر زبان فرانسه دبیرستان‌های بابل مشغول به کار شد؛ اما نوشتن را به عنوان مشغله اصلی خود برگزید. در دوره نهضت ملی کردن نفت، به روزنامه‌نگاری روی آورد. لاربن داستان‌نویسی را با انتشار کتاب «من و تو» (۱۳۲۲) آغاز کرد و بیش از ۲۰ اثر داستانی، چند نمایش‌نامه و مجموعه شعر حاصل کار اوست (میرعابدینی، ۱۳۸۸:۳). لاربن سوم مهر ۱۳۹۱ در تهران درگذشت.

پیشینه تحقیق

اگرچه تاکنون منظومه «ایرج و هوبره» لاربن از منظر نظریه نشانه‌شناسی ریفاتر نقد و بررسی نشده است؛ اما از جمله آثاری که در حوزه نشانه‌شناسی با ضرورت پرداختن به نقد و نظریه‌های جدید ادبی چاپ شده‌اند، باید به کتاب «نشانه‌شناسی کاربردی» (چاپ اول ۱۳۸۲) فرزاد سجودی (نشر قصه) اشاره کرد که به معرفی دیدگاه‌های نشانه‌شناسان پرداخته و نویسنده نیز، نظراتش را در این زمینه نگاشته است. همچنین در فصل اول از جلد دوم کتاب «نظریه و نقد ادبی» (۱۳۹۷)، حسین پاینده به نظریه نشانه‌شناسی ریفاتر با تحلیل شعر «زمستان» اخوان و «آی آدم‌ها»ی نیما پرداخته است. البته پیش از چاپ اول این کتاب، نامه فرهنگستان مقاله «نقد شعر آی آدم‌ها سروده نیما یوشیج از منظر نشانه‌شناسی» (۱۳۸۷) پاینده را چاپ نمود. به مقالاتی دیگر براساس این نظریه اشاره می‌شود؛ مانند: برکت، بهزاد و افتخاری، طیه (۱۳۸۹)، «نشانه‌شناسی شعر: کاربری نظریه مایکل ریفاتر بر شعر «ای مرز پر گهر» فروغ فرخزاد»، فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، سال اول، شماره ۴، صص ۱۳۰-۱۰۹. نبی‌لو، علیرضا (۱۳۹۰)، «کاربرد نظریه نشانه‌شناسی مایکل ریفاتر در تحلیل شعر ققنوس نیما»، پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، دوره اول، شماره ۲، صص ۹۴-۸۱. فیاض‌منش، پرنده و صفایی سنگری، علی (۱۳۹۵)، «خوانش شعر «نوبت» بر اساس رویکرد نشانه‌شناسی مایکل ریفاتر»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۴۳، صص ۱۵۹-۱۳۹ و ذاکری، سمیه و دیگران (۱۳۹۸)، «تحلیل نشانه‌شناسی معشوق در شعر شاملو بر اساس نظریه مایکل ریفاتر مطالعه موردی: شعر «سرود آن کس که از کوچه به خانه بازمی‌گردد»، پژوهشنامه ادب غنایی، سال ۱۷، شماره ۳۳، صص ۹۷-۱۱۶.

در ادامه، پژوهش‌هایی که منظومه «ایرج و هوبره» در آن بررسی شده است؛ برای آگاهی پژوهشگران، معرفی می‌شوند:

- ۱- سلیمان‌پور، مریم، (۱۳۹۵)، تحلیل انواع قاعده‌افزایی در منظومه ایرج و هوبره، سروده قاسم لاربن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی عارف کمرپشتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل.
- ۲- طاهرزاد، ام‌البنین (۱۳۹۵)، مقایسه تطبیقی عناصر داستان در منظومه لیلی و مجنون نظامی و ایرج و هوبره لاربن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی علی ابوالحسنی، دانشگاه پیام نور آمل.
- ۳- اورک‌مورد غفاری، پریسا، (۱۳۹۷)، «منظومه ایرج و هوبره قاسم لاربن مازندرانی و تطبیق ساختاری آن با مثنوی زهره و منوچهر ایرج‌میرزا»، کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، شماره ۳۸، صص ۹۷-۱۲۷.

مقالات و طرح پژوهشی نوشته شده توسط نویسندگان مقاله پیش‌رو نیز عبارتند از:

(۱۳۹۴): بررسی توازن واژگانی در منظومه «ایرج و هوبره»، مجله الکترونیک هشتمین همایش انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی، صص ۱۷۸۹-۱۷۶۹ // (۱۳۹۶): تحلیل سبک‌شناسی آوایی در منظومه «ایرج و هوبره»، دوازدهمین گردهمایی بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، صص ۸۴۰۲-۸۴۲۶. / بررسی مؤلفه‌های زبان عامه در مثنوی «زهره و منوچهر» ایرج‌میرزا و «ایرج و هوبره» قاسم لاربن، طرح پژوهشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل. / مؤلفه‌های زبان عامه در منظومه‌های «زهره و منوچهر» و «ایرج و هوبره»، دوماهنامه علمی - پژوهشی فرهنگ و ادبیات عامه، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۲۳۲-۲۰۷ // (۱۳۹۷): موسیقی کناری در منظومه‌های «زهره و منوچهر» ایرج‌میرزا و «ایرج و هوبره» لاربن، مجموعه مقالات پنجمین همایش ملی متن پژوهی ادبی، جلد دوم، صص ۴۱۴-۳۹۷. / توازن نحوی در منظومه ایرج و هوبره، آخرین منظومه غنایی فارسی، سیزدهمین گردهمایی بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی، صص ۲۹۱۷-۲۸۹۸ // (۱۳۹۸): تحلیل موسیقی درونی منظومه‌های غنایی «زهره و منوچهر» ایرج‌میرزا و «ایرج و هوبره» قاسم لاربن، مجموعه مقالات هشتمین همایش ملی متن‌پژوهی ادبی، جلد دوم، صص ۴۱۷-۳۹۵ // (۱۳۹۹): بررسی توازن نحوی منظومه‌های غنایی «زهره و منوچهر» ایرج‌میرزا و «ایرج و هوبره» قاسم لاربن، ششمین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه زبان و ادبیات ایران، مقاله شماره ۱۱۳، صص ۲۰-۱. / معانی ثانوی جملات امری گفت‌وگو در منظومه‌های غنایی «زهره و منوچهر» ایرج‌میرزا و «ایرج و هوبره» قاسم لاربن، هفتمین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در مدیریت، علوم انسانی و مطالعات اجتماعی و فرهنگی، صص ۱۹-۱. / ادبیات پایداری در «ایرج و هوبره»، آخرین منظومه غنایی فارسی، نشریه ادبیات پایداری، سال دوازدهم، شماره ۲۳، صص ۱۷۰-۱۴۵. / معانی ثانوی جملات خبری گفت‌وگو در منظومه‌های غنایی «ایرج و هوبره» قاسم لاربن و «زهره و منوچهر» ایرج‌میرزا، مجموعه مقالات پانزدهمین گردهمایی بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، صص ۱۰۰۹-۹۷۴ // (۱۴۰۰): بررسی صورخیال در منظومه‌های غنایی «زهره و منوچهر» ایرج‌میرزا و «ایرج و هوبره» قاسم لاربن، مجموعه مقالات نهمین همایش ملی متن‌پژوهی ادبی، صص ۵۸۵-۵۶۳. / بررسی اشکال گفت‌وگو در منظومه‌های غنایی «زهره و منوچهر» ایرج‌میرزا و «ایرج و هوبره» قاسم لاربن، مجله ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، دوره ۱۷، شماره ۲۵، صص ۵۳-۳۶. / معانی ثانوی جملات پرسشی گفت‌وگو در «زهره و منوچهر» ایرج‌میرزا و «ایرج و هوبره» قاسم لاربن، دوفصلنامه علمی - تخصصی زبان و ادبیات فارسی شفای دل، سال چهارم، شماره هفتم، صص ۱۵۵-۱۳۵.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی نوشته شده است. ارجاع ابیات «ایرج و هوبره» به دلیل شماره‌گذاری نشدن ابیات، براساس شماره صفحه کتاب (چاپ ۱۳۶۳) است. اصول نشانه‌شناسی ریفاتر از جمله خوانش اکتشافی، خوانش پس‌کنشانه، انباشت، تعیین چندعاملی، بسط و منظومه‌های توصیفی در منظومه غنایی «ایرج و هوبره» بررسی شده است تا خاستگاه و دلالت شعر دریافت شود.

ضرورت و اهمیت پژوهش

«ایرج و هوبره» به تقلید از «زهره و منوچهر» ایرج‌میرزا سروده شده است. لاربن نیز درباره این تقلید می‌گوید: «ایرج‌میرزا، زهره و منوچهر را نوشت و آن هم ترجمه است. من ایرج و هوبره را در زمینه عشق صمیمی و صادقانه ابراز داشتیم. عشق واقعی در یک منظومه» (اعتمادزاده، ۱۳۹۱). منظومه ایرج و هوبره «قوت و اصالت» دارد. زبان نرم و لطیف و روان آن در کنار تازگی موضوع، خواندن منظومه را دل‌نشین می‌کند (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۲). هم ایشان منظومه «ایرج و هوبره» را در کنار «زهره و منوچهر» ایرج‌میرزا با عبارت «شاید بتوان آخرین منظومه‌های غنایی ادبیات دوران جدید به شمار آورد، معرفی کرده

است (همان: ۳۰). تا کنون بررسی و تحلیل منظومه لارین با موضوعات مختلفی میسر گردید و این بار مطالعه نظریه ریفاتر و دریافت دلالت‌ها، ما را بر آن داشت تا از دیدگاه نشانه‌شناسی وجه دیگری از منظومه مورد بحث قرار گیرد.

چارچوب نظری

- نشانه‌شناسی

نشانه‌شناسی، اصطلاحی عام برای علم نشانه‌هاست. واژه semiotics و semiology به معنی نشانه‌شناسی است که اولی را چارلز سندرس پیرس و دومی را فردینان دوسوسور به کار برده است (داد، ۱۳۹۰). سوسور (۱۹۱۳-۱۸۵۷م) از نخستین کسانی است که بر اهمیت نشانه‌شناسی تأکید کرد. از نظر سوسور نشانه‌شناسی، علم پژوهش نظام‌های دلالت معنایی است که زبان یکی از این نظام‌هاست (ر.ک: احمدی، ۱۳۸۰).

توجه نشانه‌شناختی به ساختارهای زبانی موجب شد این نظریه را با ساختارگرایی یکسان بدانند. مایکل ریفاتر، منتقد آمریکایی فرانسوی‌تبار، از جمله زبان‌شناسان ساختارگرایی است که در بطن جریان ساختارگرایی رشد یافته است و همچون یاکوبسن و استروس معتقد است که زبان شاعرانه بر پیام به مثابه هدفی فی‌نفسه تأکید دارد؛ اما بر خلاف ساختارگرایان نمی‌توان ادعا کرد معنا درون متن قرار دارد. نظریه ریفاتر آغاز دهه ۱۹۶۰م پا گرفت و با این اعتقاد که متن با فرایند «خوانش ادبی» بازآفریده می‌شود، در ۱۹۸۰م به قدرت رسید (ر.ک: آلگونه‌جونقانی، ۱۳۹۶: ۳۵-۳۴). از نظر ریفاتر هر شعر در زمان خواندنش شکل می‌گیرد و تأکید دارد هر پدیده ادبی تنها خود متن نیست؛ بلکه خواننده و مجموعه واکنش‌های خواننده نسبت به متن از عناصر اصلی پدیده ادبی به شمار می‌آید؛ یعنی به جای بیان باید از کنش بیانگری یاد کرد (ر.ک: احمدی، ۱۳۸۰: ۸۷).

تأکید نظریه ریفاتر، بر جنبه ساختاری شعر و ارتباط دال‌ها با یکدیگر و رسیدن به دلالت نهایی است. «در شعر دو قطب معنایی وجود دارد: نخست معنای صریح با تأکید بر نشانه‌های صریح و دو دیگر معنای نهفته و باطنی شعر که در ارتباط با کل شعر به دست می‌آید» (فیاض‌منش و صفایی‌سنگری، ۱۳۹۵). بنابراین برای دستیابی به معنای نهفته و ضمنی اثر ادبی، به «نشانه‌ها» توجه می‌شود. در تعریفی از نشانه متذکر می‌شوند که «نشانه مرکب است از یک دال (دلالت‌کننده) و یک مدلول (دلالت‌شده). دال صورتی است که نشانه به خود می‌گیرد و مدلول، معنا و مفهومی است که نشانه بر آن دلالت دارد» (ضمیران، ۱۳۸۲: ۴۰) و «رابطه بین دال و مدلول را اصطلاحاً دلالت می‌نامند» (سجودی، ۱۳۸۷). در ارزش و اهمیت نشانه و لزوم توجه بدان این نکته قابل تأمل است که «ارزش هر نشانه به روابط آن نشانه با دیگر نشانه‌های درون نظام وابسته است» (همان: ۲۲). گاه نشانه، بر یک معنا و گاه بر چندین معنا دلالت می‌کند و نظریه نشانه‌شناسی در بررسی ارتباط معنادار نشانه‌ها و دلالت‌ها راهگشاست. تمایز بین معنا و دلالت، خوانش متن و رسیدن به دلالت‌های شعری طی فرایند نظام‌ساز در نشانه‌شناسی ریفاتر حائز اهمیت است. در ادامه، معرفی هر یک از فرایندهای نظام‌ساز نظریه نشانه‌شناسی و تحلیل منظومه «ایرج و هوبره» از این منظر ارائه می‌گردد.

بحث و بررسی

در تحلیل نشانه‌شناسی منظومه «ایرج و هوبره» به روش مایکل ریفاتر لازم است فرایندهای نظام‌ساز نظریه، مورد بررسی قرار گیرد تا به دلالت شعر دست یابیم. فرایندهای این نظریه بدین قرار است:

- خوانش اکتشافی (Heuristic reading)

بر خلاف سایر نظریه‌های ادبی که «متن» و «نویسنده» در مدار توجه قرار دارند؛ نظریه ریفاتر به «خواننده» به منزله عاملی بسیار مهم در فرایند خوانش نقادانه متن توجه می‌کند» (پاینده، ۱۳۹۸). از نظر ریفاتر، خواننده دارای دو «توانش زبانی» و «توانش ادبی» است. «توانش زبانی اصطلاحی است برای توصیف دانشی که تکلم و فهم زبان مادری را برای گویشوران امکان‌پذیر

می‌سازد» (همان: ۲۴) و منظور از توانش ادبی آن است که «خواننده در رویارویی با متن، منفعل نیست و مجموعه‌ای از تداعی-ها و برداشت‌های زبانی، ادبی و فرهنگی را با خود به همراه دارد» (آلگونه‌جونقانی، ۱۳۹۶) که دریافت دلالت را ممکن می‌کند. ریفاتر در نظریه خود دو خوانش یا قرائت برای خواننده مطرح کرده است؛ در خوانش اکتشافی بدون توجه به استعاره، مجاز، نماد و دیگر صناعات ادبی، شعر تنها با «توانش زبانی» از ابتدا تا انتها خوانده می‌شود. از این‌رو خواننده در خوانش اکتشافی از منظومه لاربن، دلدادگی ایرج و هوبره به یکدیگر را در می‌یابد که مانند بسیاری از داستان‌های عاشقانه به وصال هم نمی‌رسند؛ زیرا وقوع جنگ مانع این وصال می‌شود. در این خوانش، چنین برداشت می‌شود که شعر صرفاً بازنمایی رویدادی واقعی است با درون‌مایه عاشقانه‌ای که به سرانجام مطلوب نرسیده است. این سطح از معنا با توانش زبانی خواننده یعنی درک مدلول‌هایی از وقایع حقیقی زندگی مطابقت دارد.

— خوانش پس‌کنشانه (Retroactive reading)

در خوانش پس‌کنشانه بر خلاف خوانش اکتشافی، خواننده «بدون رعایت ترتیب و توالی سطرها» (پاینده، ۱۳۹۸، ج ۲)، متن را از انتها به ابتدای اثر بررسی می‌کند. از این‌رو در خوانش پس‌کنشانه، خواننده‌ای که با «توانش ادبی»، کلیت اثر ادبی را از نظر می‌گذراند و بازنگری می‌کند؛ به برداشتی دیگرگونه و متفاوت خواهد رسید و با کاربست عناصر نظام‌ساز نظریه ریفاتر، دلالت را در خواهد یافت. در این خوانش با پرداختن به جزئیات به منظور رسیدن به دلالت، خواننده با سؤالاتی روبه‌رو می‌شود. این سؤالات در خوانش پس‌کنشانه منظومه «ایرج و هوبره» می‌تواند از این قرار باشد: اول آنکه منظومه‌ای آن هم به تقلید از منظومه غنایی «زهره و منوچهر» ایرج‌میرزا؛ اما در بجهوه جنگ تحمیلی و شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه آن دوره، آیا فقط می‌تواند بیانگر احساس و عواطف ناشی از یک رویداد عاشقانه باشد؟ یا اینکه برعکس، خواننده اثر با توجه به شرایط جامعه در لفافه و معنای ضمنی، باید هدفی والاتر را بجوید؟ نشانه‌هایی که در منظومه حکایت از عشق زمینی و مادی دارد آیا دلالتی فراتر از معنای سطحی خود دارند؟ در یک کلام، تبیین و تأویل خواننده‌ای با توانش ادبی پس از خواندن منظومه چه خواهد بود؟ برای یافتن پاسخ این سؤالات و تحلیل نشانه‌شناختی منظومه با روش ریفاتر، فرایندهای نظام‌ساز آن یعنی پرداختن به انباشت، تعیین چندعاملی، بسط و منظومه‌های توصیفی جهت نیل به خاستگاه ضرورت می‌یابد.

— انباشت (Accumulation)

در خوانش پس‌کنشانه، خواننده به واژه‌هایی برمی‌خورد که ارتباط معناداری با هم دارند. «زنجیره‌ای از واژه‌ها که عنصر معنایی مشترکی داشته باشند و در متن شعر از طریق این عنصر با یکدیگر پیوند یابند، «انباشت» به وجود می‌آورد» (ریفاتر به نقل از پاینده، ۱۳۹۸، ج ۲).

منظومه ایرج و هوبره براساس خوانش پس‌کنشانه و در نظر گرفتن کلیت اثر، به سه قسمت اصلی تقسیم می‌شود که باید معنابن هر بخش را مشخص نمود؛ یعنی بررسی واژه‌هایی «که به واسطه یک معنای واحد با هم مرتبط می‌شوند» (ذاکری و دیگران، ۱۳۹۸). در هر یک از قسمت‌های منظومه با بررسی واژه‌هایی که به یک معنای واحد می‌رسند، می‌توان سه زنجیره از واژگان را جست. در قسمت اول منظومه، وجه اشتراک انباشت واژه‌ها، «انکار عشق» است. لاربن پس از توصیف هوبره، دلدادگی ایرج پس از دیدن هوبره در کوچه باغ را روایت می‌کند. ایرج عشقش را ابراز می‌کند؛ اما هوبره پذیرای عشق نیست و خود را از عشق مبرا می‌داند. واژه‌های نمودار زیر، مبین معنابن مشخص شده است:



نمودار شماره ۱- اولین زنجیره فرایند انباشت

در نمودار بالا، هر یک از واژه‌ها یا عبارات، مترادف یکدیگرند که شاهد مثال آن از منظومه «ایرج و هوبره» آمده است: «بر تن من جامه پرهیز بود» (ص ۲۶) با «سخت کمان بوده‌ام و سخت گیر» (ص ۲۴) مترادف است. «عشق فسونی است که ره می‌زند» (ص ۲۷) با «عشق دروغ است دروغی بزرگ» (ص ۳۴) و «در کف من بود عنان دلم» (ص ۲۵) با «گفت نیم طفل نصیحت پذیر» (ص ۳۱)، همچنین «پرده‌نشین بوده‌ام و پرده‌دار/ کس زده پرده من را کنار» (ص ۵۱) با «جامه پرهیز ندادم به آب» (ص ۳۲) مترادف است.

اما وجه اشتراک واژه‌های انباشت شده در زنجیره دوم این منظومه، «پذیرش عشق» است که در نمودار زیر، نشان داده شده است:



نمودار شماره ۲- دومین زنجیره فرایند انباشت

در زنجیره دوم همچون زنجیره اول، هر یک از واژگان از راه اشتراک در عنصر معنایی واحد دیگری با هم پیوند دارند. در مقایسه دو نمودار بالا، نکته قابل توجه آن که در کنار ترادف واژگان و عبارات هر زنجیره، شاهد تقابل و تباین دو زنجیره انباشت هستیم. به عنوان نمونه «گوش دلش نغمه دیگر گرفت» (ص ۳۹) یا با همین مضمون، مصرع «زندگیش معنی دیگر گرفت» (ص ۴۰) در برابر «افسون عشق»، بیانگر تضاد است. «آهن من نرم شده همچو موم» (ص ۵۰) نقطه مقابل «سخت-کمانی» است. دو زنجیره نخست نقطه مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند که با دو عنوان «انکار و پذیرش عشق»، ایجاد دو موقعیت و شرایط متضاد را در هوبره نشان می‌دهد؛ اما در کشاکش این تقابل، خواننده در سیر داستان غلبه پذیرش عشق را درمی‌یابد. در زنجیره سوم انباشت واژه‌ها حول محور جدید دیگری گردآوری شده است:



نمودار شماره ۳- سومین زنجیره فرایند انباشت

پس از پذیرش عشق از سوی هوبره، خواننده با انباشت دیگری از واژه‌ها مواجه می‌شود که بیانگر فراق و دوری «ایرج» و «هوبره» است. واژه‌ها و عبارات زنجیره سوم مانند دو زنجیره دیگر، مترادف هم؛ اما دو عنصر معنایی زنجیره دوم و سوم نقطه مقابل هم قرار گرفته‌اند.

- گشتارهای یک کمینه‌نگاشت از طریق تعیین چندعاملی و بسط

تبیینی که خواننده با فرایند انباشت در این منظومه با آن روبه‌روست، در نشانه‌شناسی ریفاتر با تعبیر کمینه‌نگاشت (hypogram) بیان می‌شود. هیپوگرام در لغت به معنی زیرنوشته‌هاست که توسط ریفاتر در حاشیه هر مونوتیک ساختارگرا مطرح شده است. خواننده به واسطه پیش‌فهم‌های فرهنگی، دلالت‌های نشانه‌ای متنی را تأویل می‌کند (علیپور، ۱۳۸۹). به عبارتی کمینه‌نگاشت، گزاره‌ای پرکاربرد یا گاه نقل‌قولی است مشهور که بیشتر به کلیشه‌ای فرهنگی با تداعی‌های متعارف شباهت دارد. شعر گفتن شاعر نیز، نتیجه تفصیل و پروردن یک واژه یا یک جمله با استفاده از زنجیره‌ای از کمینه‌نگاشت-

هاست (ر.ک: پاینده، ۱۳۹۸، ج ۲). در این مرحله از نظریهٔ ریفاتر، خواننده با توجه به یافته‌های مراحل قبل می‌تواند خاستگاه شعر را از کمینه‌نگاشت‌ها دریابد و این مسأله در خصوص منظومهٔ لارین نیز، صادق است. با آنکه در خوانش پس‌کنشانه سه زنجیره از انباشت واژگان یافت شده است؛ اما در نهایت منظومهٔ لارین دارای دو معنابن اصلی است؛ زیرا انکار عشق و پذیرش عشق در هوبره به یک نقطهٔ واحد منتهی می‌شود. در منظومهٔ «ایرج و هوبره» این گزارهٔ آشنا و کلیشه‌ای را می‌توان در دو واژه خلاصه کرد؛ «عشق» و «جنگ» که با دو فرایند تعین چندعاملی و بسط در کل منظومه بیان شده است.

– تعین چندعاملی (Overdetermination)

کارکرد تعین چندعاملی در فرایند نظام‌ساز شعری عبارت است از «انتقال معنای یک واژه به چندین واژه، گویی که آن واژه کل جمله را با معنای مورد نظر اشباع می‌سازد، به نحوی که خواننده احساس می‌کند آن جمله پی‌درپی و به صراحت بر همان معنایی صحه می‌گذارد که او از یک تک‌واژه استنباط می‌کند» (ریفاتر به نقل از پاینده، ۱۳۹۸، ج ۲). دریافت ارتباط درونی نشانه‌ها راهیابی به دلالت را تسهیل می‌کند؛ زیرا «یافتن دلالت معنایی نشانه‌های اثری هنری کاری ساده نیست؛ اما چون مناسبات درونی نشانه‌ها دانسته شود، درک ژرفای معانی اثر آسان می‌شود» (احمدی، ۱۳۸۰: ۸). در منظومهٔ لارین دو دال (نشانه) «عشق» و «جنگ»، شبکه‌ای از معانی زیر را به وجود می‌آورد:

عشق ← عاشق، معشوق، دلدادگی، محبت، شادی، وصال، فراق
 جنگ ← وطن، وطن‌دوستی، دشمن، دفاع، شهادت، جدایی

تعین چندعاملی دال‌های منظومه، موجد این احساس و نگرش در خواننده می‌شود که عناصر معنایی مشخصی در کل اثر در حال تکرارند. عناصری که ریشه در کمینه‌نگاشت‌ها دارند و در نهایت، ذهن به ماتریس یا خاستگاه واحدی رهنمون می‌شود.

– بسط (Expansion)

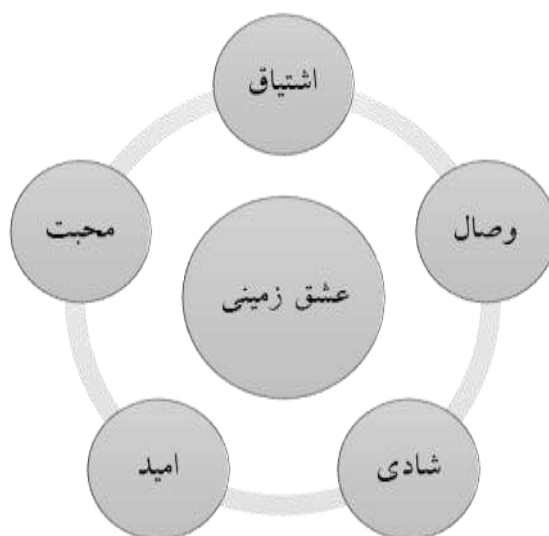
به کمک قاعدهٔ بسط، ایده و اندیشهٔ محوری یا خاستگاه شعر به عناصر کوچک‌تری تجزیه می‌شود. در منظومهٔ ایرج و هوبره، قاعدهٔ بسط موجب شده تباین دو مفهوم «عشق» و «موانع عشق» – که در منظومهٔ لارین «جنگ»، مانع وصال ایرج و هوبره است – به بخش‌های کوچک‌تری تقسیم شود و شاعر هر بخش را با تصاویر و ایماژهای زیبا و جداگانه‌ای بی‌پرواورد. جملات زیر، با توجه به رویدادهای منظومه، تباین عشق و جنگ را نشان می‌دهد:

- ۱- عشق و دل‌بستگی بین ایرج و هوبره ایجاد می‌شود.
- ۲- عشق ایرج و هوبره در بحبوحهٔ جنگ تحمیلی رخ می‌دهد.
- ۳- در اوج دل‌بستگی، مانعی بر سر دو عاشق پیشامد می‌کند.
- ۴- ایرج در مواجهه با عشق زمینی و دفاع از وطن مردد می‌ماند.
- ۵- ایرج برای دفاع از میهن، رهسپار میدان نبرد می‌شود.
- ۶- جنگ، فراق عاشق و معشوق را رقم می‌زند.
- ۷- هوبره در عشق ایرج، جان به جان‌آفرین تسلیم می‌کند.

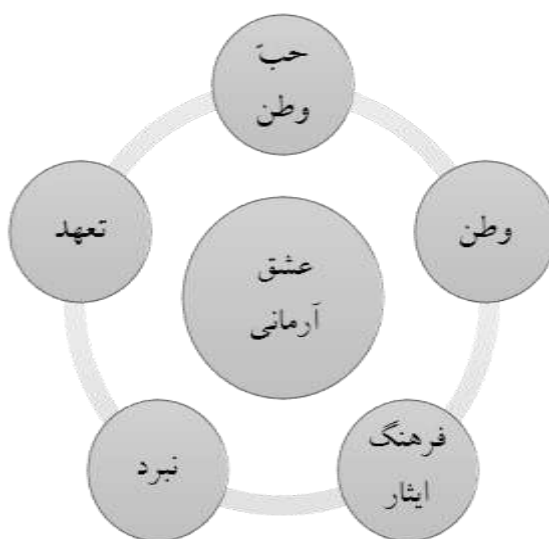
– منظومه‌های توصیفی (Descriptive system)

در فرایند نظام‌دار نظریهٔ ریفاتر، منظومهٔ توصیفی «مجموعه‌ای از الفاظ را شامل می‌شود که همگی به مثابهٔ اقماری هستند که حول محور یک مفهوم خاص یا یک لفظ خنثی می‌گردند» (ریفاتر به نقل از آگونه‌جونقانی، ۱۳۹۶). در منظومه‌های توصیفی بر خلاف انباشت به جای کلمات مترادف، کلماتی که رابطه‌ای از نوع استعاره یا مجاز دارند، گرد هم می‌آیند. منظومهٔ «ایرج و هوبره»، دو منظومهٔ توصیفی دارد که در نمودارهای زیر، منظومه‌های توصیفی و قمرهای آن رسم شده است. در نمودارها،

شبکه‌ای از واژه‌ها مشاهده می‌شود که حول محور یک واژه، متمرکز شده‌اند و هر کدام از این منظومه‌ها، جنبه‌های مختلفی از هسته معنایی خود را به تصویر می‌کشند. رابطه هر یک از قمرهای دو منظومه در ارتباط با هسته معنایی از نوع مجاز جزء به کل است.



نمودار شماره ۴- نخستین منظومه توصیفی



نمودار شماره ۵- دومین منظومه توصیفی

- خاستگاه (Matrix)

در یک اثر ادبی ایده واحدی که شاعر براساس آن به خلق اثر می‌پردازد، به طور مستقیم ذکر نمی‌شود. شاعر غیرمستقیم ایده و اندیشه‌اش را - که ریفاتر در ابتدا آن را «هسته معنایی» و سپس «خاستگاه» نامگذاری کرده - از طریق نشانه‌ها و رسیدن به دلالت‌ها طرح می‌کند. «خاستگاه یک اندیشه است که غالباً می‌توان آن را به صورت یک واژه، عبارت یا جمله بیان کرد» (پاینده، ۱۳۹۸، ج: ۲). با بررسی نقد نشانه‌شناسی ریفاتر در منظومه ایرج و هویره لارین، در معنای دلالت شده و خاستگاه شعر به «عشق آرمانی» خواهیم رسید. نشانه‌هایی که در فرایند این نظریه خواننده را به خاستگاهی واحد می‌رساند، ارزش و قداست عشق آرمانی است.

از آنجا که نشانه‌شناسی ریفاتر شاخه‌ای از رویکردهای نشانه‌شناسانه در نقد ادبی است، اشاره‌ای به نشانه‌شناسی ادبی جهت تأیید خاستگاه منظومه ایرج و هوبره ضرورت دارد. نشانه‌های ادبی همانند فرایند نظام‌ساز ریفاتر به معانی‌ای غیر از معنای لغوی کلمه دلالت می‌کنند. «منتقدان ادبی در مبحث نشانه‌شناسی ادبی معمولاً به استعاره و مجاز اکتفا کرده‌اند، اما به نظر ما جای کنایه و نماد نیز در این مبحث خالی است» (مدرسی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۹۵). استعاره، مجاز، کنایه و نماد از آن دست صناعات ادبی‌اند که خالق اثر در رابطه دال و مدلول، کلمه یا عبارتی به کار می‌برد که معنای تحت‌اللفظی و لغوی آن مدنظر نیست؛ بلکه نشانه‌ای است برای دریافت لایه دوم معنا.

مقاله «بررسی صورخیال در منظومه‌های غنایی «زهره و منوچهر» ایرج‌میرزا و «ایرج و هوبره» قاسم لاربن» نشان می‌دهد استعاره با ۳۱/۶۸٪، کنایه با ۲۸/۹۲٪ و مجاز با ۵/۸۱٪ در منظومه ایرج و هوبره به کار رفته است (رک: کمرپشتی و سلیمان پور، ۱۴۰۰: ۵۸۵-۵۶۳)؛ اما در خصوص نماد که دلالت معنایی دیگری غیر از معنای قاموسی خود دارد، لاربن در منظومه‌اش از نمادهای ملی بهره برده است. در بیت زیر، در آغاز منظومه خواننده با صبغه تاریخی و اساطیری نام «آرش» از یک نشانه به یک دلالت می‌رسد:

آرش اگر تیر کشید از کمان
هیچ نزد بر جگر این و آن
(لاربن، ۱۳۶۳: ۱۸)

تیر از کمان رهاندن آرش تداعی تمام عشق قهرمانی است که جان خویش را در راه آرمان و میهن فدا کرده است. در ابیات زیر نیز، وقتی هوبره به منظور شناخت ایرج از اسم و رسم او می‌پرسد؛ ایرج در پاسخ می‌گوید:

| | |
|-------------------------------|----------------------------|
| نام مرا مادرم ایرج نهاد | تا نرود نام فریدون ز یاد |
| من نه همین جانم و اینم تن است | یکسره تاریخ درون من است |
| خیمه تاریخ مرا سایبان | هر گل این باغ چو من مرزبان |
| میوه این شاخم و این آب و خاک | نسل فریدونی‌ام و اصل پاک |

(همان: ۲۳)

در ابیات بالا برای خواننده نام «ایرج»، تداعی گر نیاکان باستانی و نمادهای ملی تاریخ پرافتخار ایران است. نام «فریدون» و اشاره به «نسل» و «اصل پاک» نیز، تأکیدی دیگر بر نمادهای ملی است. سرگذشت ایرج لاربن، یادآور ایرج شاهنامه نیز هست. اسطوره‌هایی که در برابر ظلم ضحاک ماردوش و اهریمنان ایستاده‌اند (کمرپشتی و سلیمان پور، ۱۳۹۹: ۱۵۶). حتی استفاده از واژه «تاریخ» نشانه‌ای برای خواننده محسوب می‌شود. نشانه‌های ادبی نمادهای معدود منظومه نیز، بر عشق آرمانی به وطن دلالت می‌کند.

اگر چه لاربن در جریان رویدادهای داستان از جنگ، تصمیم ایرج برای نبرد و صحنه‌پردازی میدان نبرد روایت کرده است؛ اما در سیر طولی منظومه و در برداشت نخست، خواننده فقط آن را به عنوان مانعی برای وصال دو دل‌داده در نظر می‌گیرد؛ زیرا منظومه بیشتر بر جنبه غنایی، استوار شده است و لاربن نیز، دیگر جنگ را در جریان داستان دنبال نمی‌کند. در حالی که توجه به نشانه‌ها خواننده را به این خاستگاه سوق می‌دهد که ارزش و قداست عشق آرمانی به وطن سبب می‌شود ایرج از عشق زمینی خود دست کشد. در ابیات زیر، یکی از این نشانه‌ها که لایه دوم معنا را در خود نهفته دارد، آمده است. در لحظه شهادت، ایرج نام هوبره را بر زبان می‌آورد که ترجیح عشق زمینی را در خواننده قوت می‌بخشد؛ اما بیت دوم، این تصور را به هم می‌ریزد و «نقش پسین» نشانه‌ای است بر دلالت شعر:

| | |
|-----------------------------|--------------------------|
| در دم آخر به صدای نفس | هوبره‌ای گفت که نشنید کس |
| نقش رخ دوست در آن قیل و قال | نقش پسین بود به لوح خیال |

(ص ۸۱)

نیز در پایان منظومه هوبره در فراق ایرج پس از شهادت می‌گوید:

دیده فرو بستی و جان سوختی
خرقه خود را به که بفروختی؟

(ص ۹۵)

این جملات حاکی از گله و شکایت عاشقی است که به فراق معشوق زمینی‌اش مبتلا شده است؛ اما از منظر نشانه‌شناسی، پرسشی که در مصرع دوم مطرح شده است نشانه‌ای است برای آنکه خواننده علت فراق را از منظر دلالت جو یا شود که عشق آرمانی بر عشق زمینی برتری یافته است.

با توجه به بررسی صورت گرفته در پاسخ به سؤالات طرح شده در تحقیق باید گفت خواننده اثر درخواهد یافت شاعر به عنوان دانای کل و راوی بخش‌های زیادی از داستان، حضور دارد و متوجه این حضور می‌شود و توصیف جزء به جزء رویدادها و زوایای مختلف داستان با وجود شخصیت‌های اصلی، فرعی، شخصیت‌های جاندار و بی‌جان مبین این ادعاست. شرح دلدادگی ایرج و هوبره نقطه عطفی است برای بیان شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه و همدردی و نشانی از رئالیسم و حقایق جامعه که خواننده از زبان ساده و بدون تکلف اثر با نشانه‌هایی که شاعر در لابه‌لای این منظومه باقی گذاشته است؛ هدف و دلالت اثر را درک می‌کند. با وجود غالب بودن جنبه غنایی منظومه، دلالت بر عشق آرمانی به وطن و ارزش و قداست آن - به عنوان یکی از مهم‌ترین حقایق و مفاهیم اجتماعی عصر شاعر - در این منظومه گنجانده شده است.

نتیجه‌گیری

نظریه نشانه‌شناسی ریفاتر با رویکردی جدید در نقد ادبی و طی فرایندی نظام‌ساز با نشانه‌های به جا مانده در اثر، خواننده را با خوانش پس‌کنشانه، انباشت، درک معنابن‌ها، کمینه‌نگاشت و منظومه‌های توصیفی به خاستگاه و دلالت رهنمون می‌سازد. رهیافت این نظریه در منظومه «ایرج و هوبره» نشان می‌دهد، «عشق» و «جنگ» دو معنابن اصلی این منظومه در تقابل با یکدیگر قرار گرفته‌اند. خواننده در خوانش اکتشافی و برداشت اول، با منظومه‌ای صرفاً عاشقانه روبه‌رو می‌شود که جنگ مانعی برای وصال دو دل‌داده به شمار می‌آید؛ اما با بررسی نشانه‌شناسی، قداست و برتری عشق آرمانی به وطن دلالتی است که خواننده به واسطه نشانه‌ها بدان می‌رسد. اینکه شاعر در بحبوحه جنگ تحمیلی تنها از سر تفنّن و تقلید صرف و برای به نمایش گذاشتن قریحه شعری - آن هم اولین اثر که در شناساندن شاعر بسیار حائز اهمیت است - منظومه‌ای بلند نسوده است؛ بلکه دغدغه‌مند بودن و درک حقایق جامعه و انعکاس آن از زاویه‌ای دیگرگونه، انگیزه و هدف والاتر شاعر را نشان می‌دهد که به طور ضمنی در منظومه غنایی القا شده است.

منابع

آلگونه‌جوقنایی، مسعود. (۱۳۹۶). «کاربست الگوی نشانه‌شناختی ریفاتر در خوانش شعر». پژوهش ادبیات معاصر جهان. دوره ۲۲. شماره ۱. صص ۵۷-۳۳.

احمدی، بابک. (۱۳۸۰). ساختار و تأویل متن. چاپ پنجم. تهران: نشر مرکز.

اعتمادزاده، حسین. (۱۳۹۱). لاربن (گفتگوی حسین اعتمادزاده با قاسم لاربن (رحیمیان)، داستان نویسنده). ساری: شلفین.

پاینده، حسین. (۱۳۹۸). نظریه و نقد ادبی. ج دوم. تهران: سمت

داد، سیما. (۱۳۹۰). فرهنگ اصطلاحات ادبی. چ پنجم. تهران: مروارید.

ذاکری، سمیه و دیگران. (۱۳۹۸). «تحلیل نشانه‌شناسی معشوق در شعر شاملو بر اساس نظریه مایکل ریفاتر مطالعه موردی:

شعر «سرود آن کس که از کوچه به خانه بازمی‌گردد». پژوهشنامه ادب غنایی. سال ۱۷. شماره ۳۳. صص ۹۷-۱۱۶.

ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۲). یکصد منظومه‌ی عاشقانه‌ی فارسی. تهران: چرخ.

- سجودی، فرزانه. (۱۳۸۷). نشانه‌شناسی کاربردی. ویرایش دوم. تهران: نشر علم.
- ضمیران، محمد. (۱۳۸۲). درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر. تهران: نشر قصه.
- علیپور، پوران. (۱۳۸۹). «نشانه‌شناسی هیپوگرام مفهومی شهادت در شعر دفاع مقدس». نشریه ادبیات پایداری. سال دوم. شماره ۳. صص ۴۰۶-۳۷۹.
- فیاض‌منش، پرند و صفایی سنگری، علی. (۱۳۹۵). «خوانش شعر «نوبت» بر اساس رویکرد نشانه‌شناسی مایکل ریفاتر». پژوهش زبان و ادبیات فارسی. شماره ۴۳. صص ۱۵۹-۱۳۹.
- کمرپشتی، عارف و سلیمان‌پور، مریم. (۱۳۹۹). «ادبیات پایداری در «ایرج و هوبره»، آخرین منظومه غنایی فارسی». نشریه ادبیات پایداری. سال دوازدهم. شماره ۲۳. صص ۱۷۰-۱۴۵.
- _____ . (۱۴۰۰). «بررسی صورخیال در منظومه‌های غنایی «زهره و منوچهر» ایرج‌میرزا و «ایرج و هوبره» قاسم لاربن». مجموعه مقالات نهمین همایش ملی متن‌پژوهی ادبی. صص ۵۸۵-۵۶۳.
- لاربن، قاسم. (۱۳۶۳). منظومه بلند ایرج و هوبره. تهران: پیام.
- مدرسی، فاطمه و دیگران. (۱۳۹۷). «کارکرد نظام نشانه‌شناسی در شعر معاصر (با تکیه بر اشعار حسین منزوی، هوشنگ ابتهاج و شفیع کدکنی)». سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی. سال یازدهم. شماره ۲. شماره پیاپی ۴۰. صص ۳۱۲-۲۹۱.
- میرعابدینی، حسن. (۱۳۸۸). «لاربن / شش دهه رمان‌نویسی». فصلنامه بارفروش. ش ۸۰. صص ۴-۳.